

تحلیلی از بنیانها و مسائل صنعت ایران

محمود اسلامی

مطالعه صنعت ایران سؤال مهمی را بدوآ مطرح میسازد که مستلزم تحقیقات چند جانبه‌ای درباره علل تأخیر پیدایش صنعت جدید در ایران میباشد. عبارت دیگر همان مطلب رامیتوان بصورت رابطه بین صنعت قدیمی و سنتی و بنیانهای فنی، اقتصادی، اجتماعی و صنفی آن و بنیانهای مشابه صنعت جدید مطرح نمود. بدون ورود در این زمینه‌ها که خارج از تحقیق حاضر است ملاحظه تاریخ اخیر ایران روشنگر این نکته میباشد که شروع صنایع «مدرن» در یک محیط رقابت بین نفوذهای روس و انگلیس انجام پذیرفته بطوریکه در عمل انتخاب صنعت یا صنایع، خاصه در بدو امر، معلول یک سیاست منتخب و معینی که هدف آن ایجاد یک بخش صنعتی که جوابگوی احتیاجات و خصوصیات واقعی اقتصاد ایران باشد نبوده است. در نتیجه فقط چند واحد صنعتی با کمک فنی و مالی اروپا بمنظور تولید برخی از کالاهای مورد مصرف ایجاد شدند که بعنوان نمونه میتوان چند کارخانه قند و چند کارخانه نساجی را ذکر نمود. بنابراین اضافه ارزش بازرگانی که میتوانست و نیز مایل

• کارخانه قندسازی کهریزک توسط شرکت سهامی بلژیکی در سال ۱۸۹۵ تشکیل شد. رقابت روسیه باعث شد که عملیات این کارخانه از سال ۱۸۹۹ قطع گردد. چنددهه بعد با شروع اولین موج صنعتی شدن ایران این کارخانه در سال ۱۹۳۲ مجدداً شروع بکار کرد. اولین کارخانه نساجی توسط یک بازرگان و صنعتگر ایرانی بنام صنیع الدوله در سال ۱۹۰۱ در تهران تشکیل و کارخانه دیگری در سال ۱۹۱۰ توسط حاج رحیم آقا قزوینی در تبریز ایجاد گردید.

(Plan Organization of Iran, Informations and Reports, the textile industry in Iran, 1968, 44 pp., page 5.)

بود به سرمایه گذاری در تولید صنعتی مدرن از طرف بازرگانان و شاید مالکان اختصاص یابد در عمل مواجهه با رقابت فوق الذکر گذشته و از این راه منصرف گشت.

با اندکی دقت ملاحظه میشود که رقابت صنعت غرب در مقابل جوامعی مانند ایران دارای دو بعد مکمل و منطقاً مرتبط میباشد: از یک طرف از بین بردن صنایع سنتی که در ایران دارای سابقه اقتصادی و پایه فنی قابل توجهی بوده است^۱، یکی از مآخذ اروپائی این رقابت را در قرن نوزدهم بمناسبت صنایع ابریشم کاشان چنین بیان میکنند: «رقابت خارجی تولیدات صنایع ایران را از بین برده است، بعلمت یکنوع تناقض عجیب ایرانیان مشمول مالیاتهای متعدد و گوناگون بوده اند در صورتیکه تجار و صنعتگران اروپائی در ایران مشمول هیچ یک از آنان نمیشدند. این وضعیت خود یکی از دلایل بارز بی نظمی عمیقی است که اداره عمومی این کشور در آن فرورفته بوده است»^۲ از طرف دیگر صنعت غرب سعی نموده است مانع ایجاد صنایع جدید و بنیانهای ملزوم آن شود.

اما جبر تاریخ (خاصه از دیدگاه منطق و محتوای اقتصادی- انسانی آن) نمی تواند از مسیر «طبیعی» موجود خود در جوامع دیگر بطور قابل ملاحظه و در طول مدت منحرف گردد. ابتکارات فردی و خاصه ابتکارات دولتی ب فکر ایجاد واحدها و نیز تساحوددی برای پایه گذاری یک دستگاه صنعتی که جانشین صنعت سنتی با استفاده از ماشین باشد بوده است. این صنعتی شدن «مبتنی بر یک سیاست» از حوالی ۱۳۱۰ شروع گشته و هدف آن ایجاد یک اقتصاد صنعتی «کمپلکس» بوده و همراه با ابتکارات و اقداماتی بمنظور ایجاد سازمانها و مقررات منطبق با چنین اقتصادی از قبیل سیستم پولی و اعتباری، سیستم اداری، و آموزشی و حقوقی و نیز عناصر لازم در زمینه ارتباطات و بخشهای کشاورزی بوده است^۳.

بروز و اشاعه جنگ جهانی دوم و عواقب آن سیاست صنعتی و بطور کلی جهش اقتصادی ایران را برای مدت نسبتاً طولانی متوقف ساخته فقط چند دهه بعد یعنی در حوالی ۱۳۴۰ دوره جدیدی در صنعتی شدن مملکت آغاز میگردد. اهمیت این صنعتی شدن از لابلای مطالعه تولیدات صنعتی متظاهر گشته بعلاوه مسائلی نیز در این مورد مطرح است که باید بآنها

1- Ali Mazaheri: la vie quotidienne des musulmans au moyen AGE, ch. 9. A.H. Nayer-nouri: Iran's contribution to the world civilization, Tehran, 1970.

2- Eyrier et Alfred Jacobs, voyages en Asie et en Afrique, P. 1855 p. 264.

۳ بعلمت ویژگیهای صنعت نفت مطالعه حاضر وارد بحث مربوط بآن نمیشود.

اشاره و پاسخهای لازم را جستجو و ارائه نمود.

I

بعلت اختلاط صنایع «مدرن» و صنایع سنتی و دستی، آمار کلی و ادغام شده موجود وضعیت عینی و تحول واقعی صنعت را نشان نمیدهد. معهذاً بادر نظر گرفتن اینکه صنایع جدید سهم نسبتاً مهمی را در رشد و در حجم کل صنایع دارا میباشد میتوان با احتیاطات لازم متوسل به چنین آماری شد: در سال ۱۳۳۸ کل تولید صنایع مملکت بالغ بر $۵۴/۳$ میلیارد ریال میشود در حالیکه در سال ۱۳۵۱ رقم مزبور به $۵۰۸/۹$ میلیارد ریال بالغ میگردد. حتی با دخالت دادن تورم ملاحظه میشود که تولید صنعت ایران رشد قابل ملاحظه ای داشته و در سالهای اخیر تسریعی در این زمینه بعمل آمده است. اما این رشد یکسان نبوده بعضی از صنایع دارای نرخ رشدی بسیار بالا بودمانند صنعت شیمی، و مسائل نقلیه و دستگاههای برقی. نابربری رشد مزبور مؤید تحولی است که در ترکیب صنایع ایران دیده شده است: جدول شماره یک که شامل آمار سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۵۱ میباشد از این نقطه نظر گویائی ویژه ای دارد. نتیجه گیری کلی که از جدول فوق حاصل میگردد مربوط به محتوی صنعتی شدن ایران است: بنیان صنعتی ایران که تقریباً بالانحصار حاوی صنایع سبک بود به سوی یک صنعتی شدن چند بعدی و «کمپلکس» گام برداشته و نزدیک میشود. نتیجه مهمتر منتج از ملاحظه جزئی داده های مطلق و نسبی سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۵۱ میباشد. بدینصورت یک «تیپولوژی» صنعتی ایران بدست میآید که معرف وضعیت اقتصادی مملکت و پیشرفتی است که کشور شناخته و باید در زمینه صنعتی دنبال نماید. سه گروه صنعتی قابل تفکیک بشرح ذیل از جدول بالاستفاد میشود.

الف - گروه صنایع پس رونده

- ۱- دخانیات
- ۲- نساجی و قالی
- ۳- صنایع پوست و چرم
- ۴- صنایع معدنی غیر فلزی

ب - گروه صنایع ایستا

- ۱- صنایع غذایی و آشامیدنی

• این ارقام به ریال جاری حساب شده است.
 • گزارش سال ۱۳۵۱ بانک مرکزی ایران نرخهای ذیل را برای دوره ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ به دست میدهد: صنعت شیمی با نرخ رشد متوسط $۴۱/۷$ درصد، و مسائل نقلیه با نرخ رشد متوسط $۳۱/۵$ درصد، دستگاههای برقی با $۲۳/۵$ درصد، صنایع غذایی $۷/۲$ درصد، صنایع پوست و چرم با یک نرخ منفی ۱- درصد (صفحه ۲۱۴ جدول شماره ۷۷)

جدول ۱
سهم صنایع و نسبی بخشهای مختلف صنعتی
(به میلیارد ریال جاری)

صنایع متنوعه	اتومبیل	دستگاه های برقی	ماشین آلات	مصنوعات فلزی	فلزات پایه	معدن غیر فلزی	صنایع شیمیایی	کالودر و لاستیک	چرم و پوست	چاپ	کاغذ و مقوا	چوب و منیل	اوشاک	نساجی و قالی	دخانیات	صنایع غذایی و آشامیدنی	کل	ارزش	۱۳۴۸
۱۵	۱/۵	۱۲	۱۱	۲/۱۰	۰/۳	۳/۹	۱/۵	۰/۳	۱/۹	۰/۳	۰/۳	۱/۱	۲/۸	۱۵/۶	۳/۸	۱۷/۱	۵۲/۳	ارزش	
۱۹	۲/۸	۰/۲	۰/۲	۵/۵	۰/۶	۷/۲	۲/۷	۰/۶	۳/۵	۰/۷	۰/۶	۱/۰	۵/۱	۲۸/۷	۷/۰	۳۱/۵	۱۰۰	٪	
۲/۲	۳۷/۳	۱۹/۰	۶/۳	۲۳/۱	۲۳/۹	۲۰/۷	۲۹/۹	۵/۹	۲/۹	۶/۷	۶/۲	۱۰/۹	۵۲/۱	۸۵/۶	۸/۷	۱۵۹/۳	۵۰۶/۷	ارزش	۱۳۵۱
۱۸	۷/۳	۳/۷	۱/۲	۲/۵	۲/۷	۲/۱	۵/۹	۱/۲	۱/۰	۱/۳	۱/۳	۲/۲	۱۰/۲	۱۶/۸	۱/۷	۳۱/۳	۱۰۰	٪	

ساخت: Ministry of Economy, Bureau of statistics, Iranian Industrial statistics 1972 p.33. Iranian Industrial statistics 1970, p.13.

توضیح- صنایع نفت و مصوب نشده است:

۲- صنعت چوب و مبیل

۳- فرآورده‌های فلزی

گروه صنایع پیش رونده

۱- پوشاک

۲- کاغذ و چاپ

۳- صنایع شیمی و پتروشیمی

۴- فلزات پایه

۵- وسائل نقلیه و اتومبیل

۶- ماشین آلات

۷- دستگاههای برقی

البته اگر چنانچه اطلاعات جزئی تری در اختیار بود بعضی از اجزاء صنایع (مثلاً نساجی) در گروه دیگری غیر از گروه فعلی قرار می‌گرفتند. معهداً آموزندگی تحلیلی و سیاستی تقسیم بندی فوق بسیار زیاد است و مثلاً ثبات مقام نسبی صنایع غذایی علاوه بر مسائل کلاسیک سیاست‌ها مسائل دیگری را از قبیل توسل به واردات در این زمینه و بعلاوه و بالاخص سرمایه گذاری نا کافی در صنایع کشاورزی- غذایی و در کشاورزی (زراعت و دامپروری) و عمران روستائی مطرح می‌سازد. درباره صنایع گروه اول باید به رقابت واردات که تقریباً با رقابت «کالاهای جدید» با کالاهای صنعتی توأم می‌شود اشاره نمود. این امر بویژه در مورد صنایع نساجی صادق است با آنکه بعضی از واحدهای پرتحرک این صنعت توانسته‌اند با نوسازی دستگاههای تولیدی خود و با توسل به الیاف مصنوعی و «جدید» در این رقابت به پیروزیهای نائل آیند. در مورد فرآورده‌های معدنی غیر فلزی که شامل مصالح ساختمانی می‌باشند باید به نکات ذیل توجه نمود. اهمیت و گسترش تقاضا (چه خصوصی و چه عمومی) بعدی بوده و هست که تمام پیش‌بینیهای برنامه‌ریزان را (چه در برنامه چهارم و چه در برنامه‌های پنجم) غافلگیر نموده است. نکته دیگری نیز باید اضافه شود که از یکطرف مربوط به استفاده افراطی از مصالحی مانند سیمان و تیر آهن و از طرف دیگر مربوط به عدم کمک فنی و اقتصادی به واحدهای سنتی تولید کننده بعضی مصالح (گچ، آجر، آهک) بوده و می‌باشد. عدم توجه باین واحدها که می‌توانند به قیمت‌های رقابتی مصالح مورد نیاز را در فاصله زمان نسبتاً کوتاه تهیه و عرضه نمایند قسمتی از مسائل این بخش را توجیه می‌نماید.

گروه سوم معرف صنعتی شدن و در عین حال بصورت مستقیم و غیر مستقیم نمایشگر بعضی از جهت‌های می‌باشد که باید صنعتی شدن ایران رعایت نماید. صنایعی مانند شیمی و پتروشیمی و نیز صنایع برقی و حتی ساخت بعضی از دستگاهها در ایران بعلاوه خاصیت صنعتی

کننده خود باید مورد توجه قرار گیرند. این نکات و کلیه نکات مشروح در فوق شاید بطرز دقیقتر از مطالعه داده‌های مربوط به بعضی از محصولات صنعتی که در جدول شماره ۲ آمده است مستفاد میگردد.

نتیجه اساسی که میتوان از جدول فوق گرفت مربوط به این میباشد که تولید محصولات صنعتی خاصه گروه سوم، در سالهای اخیر شروع شده است. جوان بودن صنایع ایران و روابطی که با محیط انسانی، اداری و تولیدی مملکت داشته و دارد مسائلی را مطرح میسازد که شناخت و حل آنها یکی از شرائط صنعتی شدن واقعی کشور میباشد.

II

عدم تجانس صنایع، سرعت رشد بعضی از تولیدات صنعتی و خاصه «نقطه‌ای بودن» صنعت ایران بخوبی مسائل مختلف مطرح کرده را میتواند بیان کند.

برخی از مسائلی که مطرح میشود ناشی از تعدد واحدهای صنعتی میباشد. بر حسب آمار مربوط به سال ۱۳۵۱ که از طرف دفتر آمار وزارت اقتصاد منتشر شده است تعداد ۲۰۹۱۴۶ واحد صنعتی در ایران در این سال تعیین شده است که بنا به تعریف پذیرفته شده این تعداد شامل واحدهائی که بکار برنده یک فرد هستند نیز میشود. واحدهای بزرگ که بنا به تعریف دارای ۱۰ کارگر یا بیشتر میباشد فقط به ۵۸۵۰ واحد بالغ میگردد. توزیع این ۵۸۵۰ واحد بر حسب شاغلین آنها بشرح ذیل میباشد.

جدول شماره ۳

توزیع واحدهای صنعتی بزرگ بر حسب عده نیروی شاغل

۵۲۳۰	۱- واحدهای صنعتی که عده شاغلین آنها بین ۱۰ تا ۴۹ میباشد
۲۸۲	۲- « « « « « « ۵۰ تا ۹۹ میباشد
۲۲۳	۳- « « « « « « ۱۰۰ تا ۴۹۹ «
۶۱	۴- « « « « « « ۵۰۰ تا ۹۹۹ «
۳۴	۵- « « « « « « ۱۰۰۰ نفر یا بیشتر است
۵۸۵۰	جمع کل واحدهائی که عده شاغلین آنها ۱۰ یا بیشتر است

ماخذ: دفتر آمار وزارت اقتصاد.

باتوجه به مملک مورد قبول (عده شاغلین)، واحدهای صنعتی ایران واحدهائی نسبتاً «کوچک» بنظر میرسند. دو نکته این قضاوت را دقیقتر ساخته و تاحدی آنرا تکمیل مینماید از یکطرف در ایران واحدهای صنعتی کوچکی وجود دارد که میتوانند بعلت محدود بودن ابعاد آنها و نیز بعلت مدیریت مؤثر و بسیار جدی مدیران آنها از نقطه نظر قیمت و کیفیت تولیدات با فرآوردههای مشابه تولیدکنندگان بزرگ داخلی و خارجی رقابت نمایند. این واحدها متوسل به تکنولوژی شناخته شده گشته بعلاوه از «مزایای خارجی» اقتصادی، بازرگانی و کارگری مراکز شهری که در آنها قرار گرفته اند بهره مند میشوند. اهمیت چنین واحدهائی خاصه من حیث کانال دخول صنعت و فکر صنعتی شدن و برخورد با ماشین و بالمآل تسلط بر آن نباید از نظر دور داشته شود. نقطه ضعف چنین واحدهائی شاید در امر اعتبار و بعبارت دقیق در امکان فراهم نمودن اعتباری است که چه از نقطه نظر مبلغ و چه از نقطه نظر شرایط بازپرداخت پاسخگوی نیازهای ویژه آنها باشد. سیاست صنایع کوچک و اقدامات مربوط به ایجاد و گسترش نواحی صنعتی (مثلاً در اهواز) قدمی است در این زمینه که ضمناً بایستی شمول بیشتر و امکانات گسترده تری داشته باشد.

از طرفی دیگر تقدم بعضی از افراد یا بعضی از واحدها در ایجاد عده ای از واحدهای صنعتی در عمل انحصاراتی بوجود آورده است که ابعاد مشابه و قابل قیاس با واحدهای خارجی ندارد. توجیه این امر از یکسو مربوط باشنائی با امکانات فنی و تکنولوژیکی خارجی و از سوی دیگر مربوط به قدرت بازار داخلی میشود. نتیجه «امتیازات» اخیر الذکر همراه با مقررات مربوط به اعطاء پروانه تاسیس و نیز تشکیل سندیکاهای صنعتی که شامل بیش از چند عضو نمیشوند، ایجاد اوضاع انحصاری یا شبه انحصاری است که منغیامؤثر در صنعتی شدن واقعی مملکت بصورت ایجاد واحدهای مرتبط و پرتحرک میباشد.

یک سلسله مسائل دیگر ناشی از توزیع جغرافیائی واحدهای صنعتی میباشد. جدول ذیل توزیع واحدهای «بزرگ» را بین استان مرکزی و مابقی ایران نشان میدهد.

گویائی جدول بالا احتیاج به توضیحات دیگری ندارد. طبق آمار جدیدتری که از طرف وزارت اقتصاد مربوط به سال ۱۳۵۱ انتشار یافته است تعداد واحدهائی که دارای سرمایه ای برابر یا بیشتر از یکصد میلیون ریال و عملکردی برابریا بیشتر از ۲۵ میلیون ریال باشد به هفتاد (۷۰) واحد بالغ میگردد و ۴۱ واحد از این هفتاد واحد صنعتی در تهران واقع شده اند. البته چنین تمرکزی در پایتخت و در چند شهر بزرگ دیگر قابل توجیه است

جدول شماره ۴

سهم استان مرکز در صنعت ایران در سال ۱۳۴۹

(به میلیون ریال و به تعداد)

ارزش افزوده ناویژه	تولید ناویژه	ستاده‌های ناویژه	سرمایه گذاری ناویژه	مزد پرداختی	عده شاغلین	عده واحدها	
۵۶۰۸۱	۱۵۸۶۷۱	۱۰۲۵۹۰	۱۸۷۱۸	۱۴۸۰۳	۲۵۶۷۵۵	۵۰۶۶	۱- کل کشور
۳۹۲۳۴	۱۱۱۴۵۶	۷۲۲۲۳	۸۵۲۶	۸۶۲۵	۱۲۸۷۷۶	۲۳۲۴	۲- استان مرکزی
۱۹/۹۵%	۷۰/۲۴%	۷۰/۴	۴۸/۱۲%	۵۸/۳%	۵۰/۱۵	۴۵/۹%	۳- درصد ۲ به ۱

مأخذ: Ministry of Economy, Bureau of statistics, statistics on 'Large Industrial establishments of Iran in 1969, Tehran'

و عواملی از قبیل «امتیازات خارجی» موجود در این مراکز و نیز ابعاد سودآور بازار این مراکز و نیز در دسترس بودن نیروی انسانی و خدمات اداری، آموزشی و دانشگاهی و بطور کلی خدمات مورد نیاز فعالیت اقتصادی بدون (ارتباطات، اعتبار و بیمه و غیره) علل آن پدیده می‌باشد. اما این ارتباطات متقابل بین تمرکز تولیدی و صنعتی و تمرکز خدماتی مولد «هزینه‌های اجتماعی» و «هزینه‌های انسانی» است که توسط دولت و شهرداریها و در تحلیل نهائی توسط اعضاء نواحی شهری و صنعتی و سایر نواحی مملکت تحمل می‌گردد و بعلاوه بدین وسیله موجبات تخریب محیط زیست انسانی و بطور کلی اکولوژی کشور فراهم می‌گردد. این مسئله بدون شک از مهمترین مسائلی است که صنعت و رشد اقتصادی کشور با آن مواجه بوده و خواهد بود و بدین علت مطالعه آن مستلزم یک بررسی عمیق و جداگانه می‌باشد.

مطالعه تشکیل سرمایه مسائل متعددی را مطرح می‌سازد از قبیل توجیحات سرمایه گذاری، تعادل بین انحاء تامین منابع مالی لازم، تخصیص بخشی و فنی منابع فراهم شده و بالاخره سنجش و توزیع ارزش افزوده منتج از عملیات تولید بدون آنکه جنبه‌های دیگر مانند توسل بواردات و انتخاب تکنولوژی لازم از نظر دور داشته شود. داده‌های گنجیده در جدول شماره ۵ که از مأخذ مختلف جمع آوری شده است میتواند روشنگر برخی از مسائلی باشد که در جمله بالا بآنها اشارت رفت.

جدول ۵

تولید، ارزش و سرمایه‌گذاری صنایع ایران

(به میلیارد ریال جاری)

سال	تولید	ارزش افزوده	سرمایه گذاری جدید	کل مزد	تشکیل سرمایه ناخالص در کشور
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۳۴۱	۸۵/۷	۳۶	۶/۲۰۰	۷/۸۲۱	۴۷/۴
۱۳۴۲	۹۷/۹	۴۲	۵/۲۰۰	۸/۹۲۲	۵۱/۵
۱۳۴۳	۱۲۰	۴۹	۷/۲۰۰	۱۰/۸۵۱	۶۳/۲
۱۳۴۴	۱۷۷/۱	۵۶	۱۱/۳۰۰	۱۱/۳۹۶	۸۵/۵
۱۳۴۵	۲۰۵/۱	۶۶	۱۸/۲۰۰	۱۳/۹۲۰	۹۰/۱۰
۱۳۴۶	۲۶۳/۰	۷۸	۲۰/۸۰۰	۱۸/۳۴۰	۱۱۹/۳
۱۳۴۷	۲۹۳/۱	۸۶	۳۱/۴۱۸	۱۹/۰۴۶	۱۳۶/۵
۱۳۴۸	۳۳۲/۱	۹۸	۴۳/۱۹۹	۳۹/۶۹۰	۱۵۶/۴
۱۳۴۹	۳۷۲/۴	۱۱۷/۵	۵۰/۹۰۰	۲۶/۴۰۰	۱۶۷/۳
۱۳۵۰	۴۳۵/۳	۱۳۸/۱	۵۷/۷۰۰	۲۹/۹۰۰	۲۱۶/۲
۱۳۵۱	۵۰۸/۹	۱۶۳/۷	۶۶/۹۰۰	۳۴/۶۰۰	۲۷۶/۶

مآخذ: انتشارات دفتر آمار وزارت اقتصاد و گزارش ۱۳۵۱ بانک مرکزی ایران

با توجه با اوضاع کلی مملکت و مطالعه بیان بانکهای تخصصی میتوان نتیجه گرفت که صنعتگران مشکلی در مورد تأمین منابع مالی ندارند. مع هذا سیاست آنها اولویتی برای

• ارقام ستون ۵ مربوط بواحدهای واقع در نواحی شهری است.

•• تشکیل سرمایه ناخالص مربوط بکل مملکت میباشد.

سرمایه گذاری داخلی یا «خود سرمایه گذاری» قابل است که عملاً بصورت بالابودن قیمتها و بالنتیجه سود و ایجاد وضعیتهای غیر رقابتی و شبه انحصاری متظاهر میگردد. نیروی ماهر یکی از تنگناها و موانع رشد اقتصادی و صنعتی مملکت را تشکیل میدهد. این نکته ترکیب تمام سطوح آموزش و هدف آنها را دربر گرفته مستلزم تحلیلی است که نمیتواند محلی در این مختصر داشته باشد. با اندک اشتباهی میتوان گفت الگوی آموزشی مملکت در تمام سطوح آن بیشتر تربیت یک «معلم نمونه» بوده تا یک عضو فعال یکی از بخشهای اقتصادی و اجتماعی مملکت. لزوم بازبینی اساسی این امر با توجه به تحولات جاری مملکت ضروری و فوری بنظر میرسد. اقدامات و پیشرفتهائی که در مورد آموزش حرفه‌ای اخیراً بعمل آمده است در جدول شماره ۶ نشان داده میشود.

جدول شماره ۶

عده مدارس فنی و حرفه‌ای در سالهای اخیر

۵۲-۵۳	۱۳۵۱-۵۲	۱۳۵۰-۵۱	۱۳۵۹-۵۰	۴۱-۲۹	۴۷-۴۸	۱۳۴۶-۴۷	
	۲۷۷	۲۳۷	۱۸۹	۱۶۴	۱۵۴	۱۳۸	عده مدارس
	۵۷۰۰۰	۴۷۰۰۰	۳۱۰۰۰	۲۳۰۰۰	۱۹۰۰۰	۱۶۰۰۰	عده شاگردان

مأخذ: گزارش بانک مرکزی ایران برای سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲.

در واقع فعالیتهای دیگری نیز از طرف برخی از سازمانهای دولتی و نیز توسط بعضی از واحدهای خصوصی در این زمینه انجام گرفته و می‌گیرد. اما نکته مهم این است که باید واحدهای صنعتی بصورت کاملتری در این امر که آینده صنعت بآن مشروط است مشارکت نمایند.

این مشارکت نباید فقط جنبه تامین اعتبار و فراهم آوردن منابع مالی داشته باشد بلکه باید بصورت تعیین کلی یا دقیق تعداد و نوع نیروی ماهر لازم برای هر بخش صنعتی معین گردد (توسط سازمانهای حرفه‌ای مانند سندیکاها و اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن - و اتاقهای اقتصادی که باید ایجاد شود) در واقع باید پارا از این فراتر گذاشته به

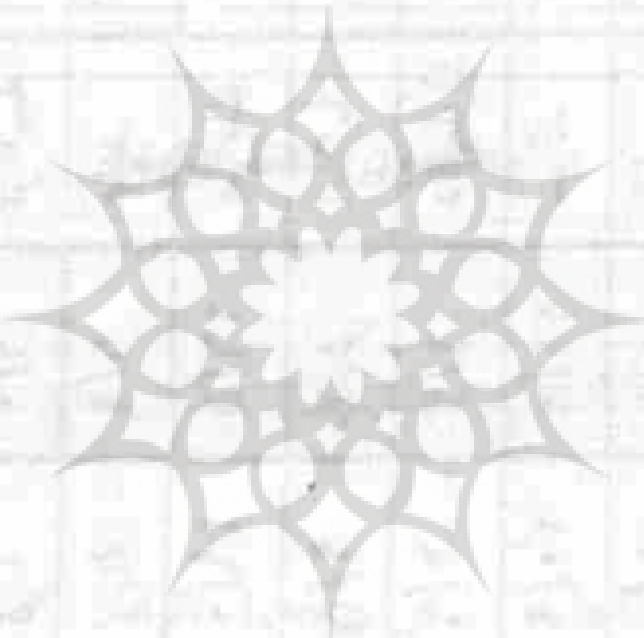
مسئولیت واقعی و طولی مدت صنعتگران و تصمیم گیران صنعت ایران چه در بخش خصوصی و چه در بخش عمومی اشاره نمود. در نحوه عمل، در برداشت و در طرز فکر مسئولان مزبور باید انقلابی ایجاد شود. منظور استفاده از نیروی متخصص و بسیار متخصص در امر تولید و نوآوری تولیدی. اگر مملکت ما باید بالاخره یک کشور صنعتی شود راهی جز این نیست که واحدهای صنعتی ما باید بتوانند توسط مهندسين و پژوهشگران ماعلاماً در ایجاد صنعت و در ایجاد پیشرفت تکنولوژی سهمی موثر و واقعی داشته باشند. توسل به تکنولوژی «شسته و رفته» مستور در ماشین آلات و ارداتی کلید در دست که تا حدی توجیه میشود اگر ادامه یابد داروی خواب آوری است که بیداری صنعتی را بمرگ صنعتی میتواند تبدیل نماید.

بعبارت دیگر تشخیص داده میشود که صنایع ایران در وضع کنونی نسبت بیکدیگر مانند خطوط موازی هستند که از یک سو بازار مصرف و از سوی دیگر بصنایع واقع در خارج از مملکت مرتبط میشوند. بدین علت است که تهیه جدول داده‌ها و ستاده‌ها بین صنایع ایران و خارج خیلی گویاتر و ممکن‌تر از جداولی است که انحصاراً در مورد صنایع داخلی در نظر گرفته شوند. با توجه باوضاع استثنائی که در حال حاضر کشور ما می‌شناسد سیاستی اتخاذ شده است و باید اتخاذ شود بطوریکه تقاضای نهائی و تقاضای واسطه‌ای که دارای ابعاد نسبتاً کافی و دارای استمرار لازم نیز میباشد نقش طبیعی خود را بصورت ایجاد کننده صنایع مرتبط و بالاخره بصورت صنایع تقاطعی و شبکه‌ای و نه بصورت صنایع خطی ایفاء نمایند. در غیر اینصورت فقط اندکی از ارزش افزوده‌ی مستور در قدرت خرید و در تقاضای واقعی آنهم بصورت ارزش افزوده بازرگانی عاید عاملین دیگر اقتصاد ایران خواهد شد.

البته چنین سیاست و اقداماتی باید پشتیبانی در کشاورزی و نیز در صنایع کوچک داشته باشد. صنایع اخیر که حامل اشاعه صنعت و بکار برنده افرادی میباشد که رموز و فنون صنعتی ابتدائی را یاد گرفته در مملکت رواج میدهند باید بیشتر از وضع حاضر از کمک دولت (اعتباری و فنی) استفاده نمایند، بعلاوه همانطور که مسئولان بخش خصوصی نباید راه سهولت را پیش گرفته و تقاضای خود را بدون اندیشه تسلط بر تکنولوژی به خارج منتقل نمایند تقاضای بخش دولتی و وابسته بآن نیز که دارای اهمیت کمی و کیفی قابل توجهی است باید همانطور که مورد نظر مسئولان عالییه مملکتی است در راه ایجاد صنایع

1- Ministry of Economy, Bureau of statistics, Input-output of Iranian import and Export (1963-1970), Tehran' 1e71, 36+6 pags.
 • سرمایه‌گذاری خارجی که اصولاً عامل ایتیم خاصی است نیز باید علی‌الاصول مشمول این اصل باشد (مراجعه شود به جدول ضمیمه در باره سرمایه‌گذاری خارجی در ایران)

آنها صنایع پیشرو بکار بیفتند. تقاضا و قدرت ایران بحدی رسیده است که بتوان خرید و وارد نمودن بعضی از کارخانجات و دستگاههای صنعتی را مشروط به مقداری تسلط بر تکنولوژی و دانش مربوط دانست (بعنوان نمونه میتوان به دستگاههای خودرو و دستگاههای ضابط و منتقل کننده صورت و صدا و حتی اطلاعات اشاره نمود).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول ضمیمه : سرمایه گذاری خصوصی خارجی در ایران از سال ۱۳۳۵ تا پایان سال ۱۳۵۲ بر کشور (ارقام به میلیون ریال جاری)

صنعت	تایان سال ۱۳۵۱	در سال ۵۲	تایان سال ۱۳۵۲	در صدیه در کل	در صدی کل تا سال ۱۵۳۲	کشور	تایان سال ۱۳۵۱	در سال ۵۲	تایان سال ۱۳۵۲	در صدیه در کل	در صدی کل تا سال ۱۵۳۲
صنعت	۱۳۵۱	۲۲۳	۱۳۵۲	۱۳/۳	۱۵/۴	آمریکا	۷۰۲۶	۱۰۹۰	۲۴۰۸	۱۳/۳	۱۵/۴
لاستیک سازی						انگلستان	۱۴۶۲	*	۲۰۴۵	۱۱/۳	۱۳/۹
داروسازی	۱۹۶۶	۷۹		۸/۳	۹/۳	آلمان غربی	۱۷۲۳	۶۶۲	۱۵۱۰	۸/۳	۹/۳
صنایع برقی				۷/۱	۹/۰	فرانسه	۸۱۷	*	۱۲۸۶	۵/۷	۶/۹
صنایع فلزی	۱۲۷۵	۱۱		۶/۷	۶/۹	هلند	۳۸۷	*	۱۰۳۴	۵/۷	۶/۹
صنایع ساختمانی	۹۷۰	۶۴		۱۹/۰	۱۶/۵	بلژیک	۳۳۳	*	۳۴۳۸	۱۹/۰	۱۶/۵
پتروشیمی				۹/۸	۵/۴	ایتالیا	۲۷۶	*	۱۷۸۴	۹/۸	۵/۴
وسایل حمل و نقل	۷۵۷	۱۰۲۷		۲/۶	۲/۳	دانمارک	۹۵	*	۴۶۳	۲/۶	۲/۳
صنایع مواد غذایی	۳۱۹	۱۴۴		۱۰/۹	۱۷/۰	سوئد	۱۸۴	*	۲۹۷۰	۱۰/۹	۱۷/۰
معادن	۱۶۹۶	۲۷۳		۱/۷	۲/۱	ژاپن	۴۳۵	۱۹۵۹	۳۱۷	۱/۷	۲/۱
هتل سازی و هتل داری	۲۹۳	۲۴		۴/۱	۲/۱	سایر	۱۳۶۶	۶۳۳	۷۵۲	۴/۱	۲/۱
کشت و صنعت	۲۹۴	۴۵۸		۷/۶	۳/۶	جمع	۱۴۰۸۴	۴۰۴۴	۱۳۷۷	۷/۶	۳/۶
سایر	۵۰۴	۸۷۳		۱۰۰	۱۰۰		۱۸۱۲۸	۱۴۰۸۴	۱۳۷۷	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۴۰۸۴	۴۰۴۴	۱۸۱۲۸								

مانند : بانک مرکزی ایران و مرکز آمار ایران

* ارقام کشورها تیکه ستاره خورده در سایر کشورها آمده است .